

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم
مفهوم نظم عمومی و قلمرو اجرائی آن در حقوق بین الملل خصوصی ایران با
عنایت به ماده ۹۷۵ قانون مدنی

بوسیله
رضا اسلامی

پایان نامه
ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیتهای
تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

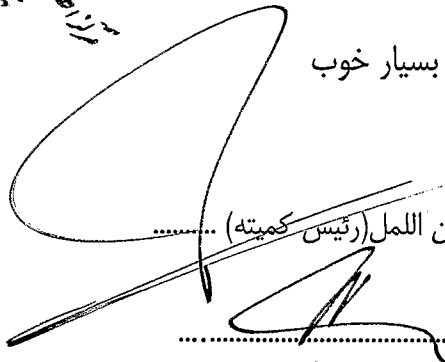
در رشته
حقوق بین الملل
از
دانشگاه شیراز
شیراز، ایران

۱۳۸۱ / ۱۷ / ۱۰

مرکز اطلاعات آران علی ابن
تیمسار آران

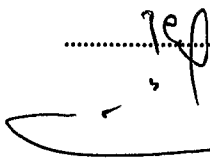
ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه : بسیار خوب
امضاء اعضاء کمیته پایان نامه:

دکتر سید محسن شیخ الاسلامی: استادیار حقوق بین الملل (رئیس کمیته).....



دکتر محمد امامی، دانشیار حقوق عمومی.....

دکتر پرویز عامری، استادیار حقوق خصوصی.....



مهرماه ۱۳۸۰

۴۴۸۵۹

"بنام یگانه مربی بشریت"

هم دعا از تو اجابت هم از تو ایمنی از تو مهابت هم از تو
گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن مصلحتی تو ای تو سلطان سخن

این پایان نامه را تقدیم می‌کنم به:

دستان گرم پدر و چشمان پر مهر مادرم

و

به همسر مهربانم که او را بیش از همه دوستش

دارم ولحظات زیبای زندگی‌م با نام و یاد او لبریز است.

چکیده

مفهوم نظم عمومی و قلمرو اجرائی آن در حقوق بین الملل خصوصی ایران با
عنایت به ماده ۹۷۵ قانون مدنی

توسط

رضا اسلامی

هنگامی که مطابق قواعد تعارض ایران قانون خارجی در یک مورد به خصوص
صلاحیتدار شناخته می شود اجرای آن قانون در ایران ممکن است با دو مانع
برخورد کند. یکی نظم عمومی است که در این پایان نامه به تعاریف، مفهوم،
قلمرو، ضوابط، آثار، مصادیق و... نظم عمومی مورد بررسی قرار می گیرد. از
موضوع مورد بحث میتوان نتیجه گرفت که نظم عمومی نسبی و متغیر و وابسته
به زمان و مکان خاصی می باشد و چنان با منافع و مصالح جامعه مرتبط می باشد
که جزء قوانین امری در حقوق ایران محسوب می گردد، لذا ارتباط آن بامناف
عمومی به اندازه ای است که اصل حاکمیت اراده در برابر آن بی ارزش است. ماده
۹۷۵ قانون مدنی مبنای عمل قاضی در خصوص اجرای قانون خارجی می باشد.
روش تحقیق در پایان نامه حاضر ضمن استفاده از کتب و مقالات از نظریات
اندیشمندان و صاحب نظران علم حقوق بین الملل خصوصی استفاده شده است.
پیشنهاد میگردد به لحاظ دشواریهای شناخت عناصر تشکیل دهنده نظم عمومی،
قاضی رسیدگی کنند به موضوع، تمامی عناصر تشکیل دهنده نظم عمومی را
بررسی سپس مبادرت به صدور رأی نماید

سپاسگزاری

خدایا شکر این نعمت چگونه گزارم که مرا توفیق آن بخشیدی تا موضوع این پایان نامه را با آرایشی نو به شیفته‌گاه نظم عدالت تقدیم کنم. پس، گام‌هایم را به راهی که هدایت فرمودی استوار کن و مزید نعمت بدین فرما که پیوند خویش را با سالکان راه حقیقت و جویندگان دانش عدالت جاودانه سازم و توشه ناچیزی را که اندوخته ام به پایشان بریزم، پیوسته در این کاروان روم و زینهار در کنار ستمگر قرار نگیرم. در پایان از زحمات اساتید محترم جناب آقای دکتر سید محسن شیخ الاسلامی بعنوان استاد راهنما که در تهیه و تنظیم این پایان نامه زحمات فراوانی را متحمل شده اند، از آقایان دکتر محمد امامی و پرویز عامری که در مراحل نوشتار پایان نامه بنده را ارشاد فرموده اند کمال تشکر را دارم و از حضور جناب آقای دکتر مردانی به عنوان نماینده تحصیلات تکمیلی در جلسه دفاعیه صمیمانه سپاسگزارم. از پدر و مادر بسیار مهربانم که رنج‌های فراوان و مشقتهای بسیار در مراحل تحصیل برای من متحمل شده اند سپاسگزارم و محبت‌های بی کران آنها رکن رکن زندگی ام بوده و دینم به آنها را به چند عبارت بیان نمی توان بیان کرد. از همسر مهربانم و خانواده گرمیشان که دلسوزانه مشوق اینجانب در راه کسب دانش بوده اند بینهایت تشکر میکنم. در نهایت از دوستان بسیار خوبم آقایان مجید شکوهی، عباس قربان زاده، حسن شجاعی، جواد یدا... زاده، مسعود میرانی و همه عزیزان و سروران که مرا در تهیه و تنظیم این پایان نامه راهنمایی و رشاد فرموده اند کمال تشکر را دارم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	فصل اول: کلیات
۴	بخش اول: تبیین مفاهیم نظم عمومی
۱۲	مبحث اول: تعریف نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی
۱۳	مبحث دوم: تعریف نظم عمومی در حقوق بین الملل عمومی
۱۳	مبحث سوم: تعریف نظم عمومی در فقه
۱۵	بخش دوم: تاریخچه نظم عمومی
۲۲	بخش سوم: مبانی نظم عمومی
۲۵	مبحث اول: نظم عمومی در مکتب حقوق طبیعی
۲۶	مبحث دوم: نظم عمومی در مکتب حقوق وضعی
۲۹	مبحث سوم: نظم عمومی در مکتب نزاکت بین المللی
۳۰	مبحث چهارم: نظم در مکتب اشتراک حقوقی
۳۱	مبحث پنجم: نظم عمومی در مکتب شخصی بودن قوانین
۳۲	مبحث ششم: نظم عمومی در مکتب سرزمینی بودن قوانین
۳۴	بخش چهارم: انواع نظم عمومی
۳۴	مبحث اول: نظم عمومی سیاسی
۳۵	مبحث دوم: نظم عمومی اقتصادی
۳۶	مبحث سوم: نظم عمومی نسبی و متغیر

بخش پنجم: منابع نظم عمومی	۴۲
مبحث اول: منابع اصلی نظم عمومی	۴۲
مبحث دوم: منابع فرعی نظم عمومی	۴۸
فصل دوم: قلمرو نظم عمومی	۵۵
بخش اول: قلمرو نظم در حقوق بین الملل خصوصی	۵۵
مبحث اول: قلمرو نظم عمومی در حقوق انگلیس	۵۵
مبحث دوم: قلمرو نظم عمومی در حقوق فرانسه	۵۸
بخش دوم: قلمرو نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی ایران	۶۱
مبحث اول: الگوهای نظم عمومی	۶۳
مبحث دوم: نظم عمومی در مرحله اجرای احکام و اسناد خارجی	۶۵
مبحث سوم: نظم عمومی در مرحله اجرای آرای داوری	۶۵
مبحث چهارم: قلمرو نظم عمومی در اصل ۱۳۹ قانون اساسی	۶۶
بخش سوم: مقایسه قلمرو نظم عمومی با قلمرو قواعد آمره و اخلاق حسنه	۶۹
مبحث اول: سلسله مراتب حقوقی قواعد	۷۳
مبحث دوم: ضمانت اجرای دولتی	۷۴
مبحث سوم: جایگاه قواعد آمره در حقوق بین الملل خصوصی	۷۵
مبحث چهارم: ابعاد نظری و تئوریک قواعد آمره	۷۶
مبحث پنجم: تفکیک قواعد آمره از سایر مفاهیم	۷۸
مبحث ششم: جستجوی قواعد آمره در نظام موضوعه بین المللی	۸۱
بخش چهارم: بررسی قلمرو نظم عمومی و قلمرو اخلاق حسنه	۸۳
مبحث اول: ارتباط میان نظم عمومی و اخلاق حسنه	۸۳
مبحث دوم: تمیز اخلاق حسنه از نظم عمومی	۸۶

مبحث سوم : وضعیت حقوقی قراردادهای اخلاق حسنه.....	۸۸
فصل سوم : آثار نظم عمومی.....	۹۱
بخش اول : آثار نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی.....	۹۱
مبحث اول : اثر کلی یا عمومی.....	۹۱
مبحث دوم : اثر خفیف.....	۹۲
مبحث سوم : اثر انعکاسی	۹۲
مبحث چهارم: اثر منفی و مثبت نظم عمومی.....	۹۳
مبحث پنجم: اثر منفی نظم عمومی در مرحله ایجاد حق و در مرحله اثر گذاری حق	۹۴
بخش دوم : ضوابط تشخیص نظم عمومی و آثار آن	۹۸
مبحث اول : ضابطه فقدان اشتراک حقوقی.....	۹۸
مبحث دوم : ضابطه فنی حقوقی	۹۹
مبحث سوم : ضابطه مصالح اجتماعی.....	۱۰۰
مبحث چهارم : ضابطه موضوعات اساسی تمدن.....	۱۰۰
مبحث پنجم : ایرادات و اراده بر ضوابط تشخیص نظم عمومی	۱۰۱
بخش سوم : تحلیل و بررسی محتوایی ماده ۹۷۵ قانون مدنی در نظم عمومی و آثار آن.....	۱۰۳
مبحث اول : جهات برخورد قانونی خارجی و نظم عمومی.....	۱۰۵
مبحث دوم : آثار اجرای نظم عمومی در برابر قانون خارجی و حقوق مکتسبه	۱۰۸
مبحث سوم : تفاوت‌های موجود بین نظم عمومی در حقوق داخلی و حقوق بین الملل خصوصی	۱۱۰
مبحث چهارم : مصادیق نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی ایران.....	۱۱۲

مبحث اول : جهات برخورد قانونی خارجی و نظم عمومی.....	۱۰۵
مبحث دوم : آثار اجرای نظم عمومی در برابر قانون خارجی و حقوق مکتسبه	۱۰۸
مبحث سوم : تفاوت‌های موجود بین نظم عمومی در حقوق داخلی و حقوق بین الملل خصوصی	۱۱۰
مبحث چهارم : مصادیق نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی ایران.....	۱۱۲
فصل چهارم : نتیجه گیری و ارزیابی نهایی.....	۱۱۸
منابع	۱۲۲
الف) منابع فارسی.....	۱۲۲
ب) منابع انگلیسی.....	۱۲۴
ج) منابع فرانسه.....	۱۲۴
د) مقالات و فرهنگها.....	۱۲۵
الف)مقالات فارسی.....	۱۲۵
ب) مقالات و فرهنگها انگلیسی.....	۱۲۶
<u>چکیده و عنوان به انگلیسی.....</u>	

مقدمه

امروزه برای هیچ ملتی میسر نیست که در درون مرزهای خود محصور بماند. نیازهای اقتصادی، گسترش حمل و نقل، ارتباطات، حس کنجکاوی و نوع دوستی بشر، آمیزش بین المللی را ایجاب می کند. زندگی اشخاص در عرصه بین المللی قواعد و مقررات خاص خود را داراست و حقوق بین الملل خصوصی به هدف تنظیم روابط حقوقی ناشی از آن ایجاد گردیده است. مسله تعارض قوانین کشورها هنگامی مطرح می شود که یک رابطه حقوق خصوصی به واسطه دخالت یک یا چند عنصر خارجی به دو یا چند کشور ارتباط پیدا کند در چنین موردی باید دانست که قانون کدام کشور بر اساس قواعد مربوط به حقوق بین الملل خصوصی که اصطلاحاً قواعد حل تعارض نامیده می شوند صورت می گیرد. هنگامی که مطابق قاعده حل تعارض یک کشور قانون خاصی را به عنوان قانون صلاحیتدار تعیین می کند و همچنین در مرحله اجرای احکام، اسناد و قراردادهای خارجی، ممکن است اجرای سازمان حقوق خارجی با موانعی برخورد نماید. از جمله مهمترین این موانع نظم عمومی است. در واقع شرط عدم مابینت با نظم عمومی یکی از شرایط شناسایی و اجرای سازمان حقوقی خارجی به منزله یک قاعده در حقوق بین الملل خصوصی کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است.^(۱)

نقش نظم عمومی در حقوق بین الملل انگلیس مورد اشاره قرار گرفته است، بر این اساس دادگاههای آن کشور حقوق اختیارات اهلیت یا عدم اهلیت و یا رابطه حقوقی ناشی از قانون خارجی را هنگامی که مخالف با نظم عمومی قانون انگلیس باشد شناسایی نخواهد کرد. در حقیقت، نظم عمومی در این قلمرو به عنوان استثنایی بر اجرای سازمان حقوقی خارجی ایفای نقش می نماید و از این روست که برخی آن را استثناء نظم عمومی تعبیر می کنند.

1- Diccey and Moris of Laws, Stevers and Sons L.T.D, Londn

چنانکه خواهیم دید، نظم عمومی در قلمرو حقوق بین الملل خصوصی نسبت به سایر رشته های حقوق بین الملل خصوصی دامنه دارتر می باشد.

در دوران کنونی به لحاظ آثار اجتماعی که برخی از انواع رابطه های حقوقی در زمینه حقوق خصوصی مترتب می گردد، دولتها خود را ناگزیر دیده اند در قلمرو حاکمیت خود با وضع قاعده های امرانه در چنین رابطه هایی مداخله نمایند و تا حدودی که نفع جامعه ایجاب می کند در تنظیم آنها مشارکت نمایند، مانند رابطه میان کارگر و کارفرما، مؤجر و مستأجر، یا در زمینه پول قابل پرداخت در معاملات و نیز مقررات مربوط به محدودیت انتقال ارز، این گونه قوانین و مقررات محدود به رابطه های قراردادی نیستند، مانند آنها ممکن است در دیگر انواع رابطه ها نیز دید شود، مانند قوانین راجع به حمایت از محجورین این نوع قوانین دارای وصف سرزمین اند و نسبت به همگان اعم از اتباع و بیگانگان لازم و الاجراست و زیر عنوان قوانین نظم طبقه بندی می گردند و تشخیص آنها بر عهده قاضی است، وی باید در رأی خود روشن سازد دلائل مبانی تشخیص او در این باره چه بوده و چه نفع اجتماعی را در قانون احراز کرده که آن را در شمار قوانین نظم و قابل اجرا در خصوص قضیه تابع حقوق بین الملل خصوصی دانسته است، و در حال اجرای آنها در این نوع حقوق به صورت استثناء است.

مفهوم قوانین نظم، با آنکه خود انعکاس نظم اجتماعی در زمینه هایی معین از انواع رابطه های حقوق خصوصی است، از مفهوم نظم عمومی به مثابه استثنای بر قاعده تعارض قوانین متفاوت است، تفاوت بارز این دو مفهوم از یکدیگر در آن است که اثر نظم عمومی محدود است به بازداشتن دادگاه از اجرای حکم قانون خارجی برگزیده شده از سوی دادگاه به عنوان قانون صالح، و اثر قانون نظم آن است که با وجود آن دادگاه از جستجوی قانون صالح براساس قاعده عام تعارض قوانین بی نیاز می گردد و خود همان قانون را از ابتدا درباره قضیه به موقع اجرا می گزارد. در قانون مدنی ایران نامی از قوانین نظم برده نشده است با این حال می توان گفت مفهوم آن به هنگام تدوین قاعده های حقوق بین الملل خصوصی در مقدمه جلد اول قانون مدنی از دید قانونگذار ایران پوشیده نمانده است. انعکاس این مفهوم را می توان در عبارت منعکس در ماده ۵

قانون مدنی دید عبارت ماده چنین است :

« کلیهٔ سکنهٔ ایران اعم از اتباع داخلی و خارجی مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.»

این ماده که بیان اصل سرزمینی بودن قوانین در حقوق ایران است به ظاهر از بند اول مادهٔ ۳ قانون مدنی فرانسه که در آن قوانین نظم و امنیت دربارهٔ همگی ساکنان سرزمین فرانسه الزام آور شناخته شده اقتباس گردیده است افزون بر این به نظر می‌رسد عنوان «قوانین مخصوص» که در مادهٔ ۹۷۴ قانون مدنی بکار رفته و اجرای «مقررات مادهٔ ۷ و مواد ۹۶۲ تا ۹۷۴» آن قانون مشروط به عدم مخالفت آنها با این نوع قوانین دانسته شده، ناظر بر قوانین نظم عمومی است. قانون نظم عمومی مربوط به قضیه ممکن است متعلق به کشور بیگانه باشد.

از دیدگاه حقوق تطبیقی به اصطلاح قوانین نظم و امنیت از بند نخست ماده ۳ قانون مدنی فرانسه به این عبارت «قوانین نظم و امنیت همگی ساکنان این سرزمین را ملزم می‌سازند» گرفته شده است مراد از نظم برحسب لغتنامه لیتره به نقل فرانسسکاکی، سازمان دولتی است، و در اصطلاح مرکب از نظم و امنیت، قوانین راجع به مداخلهٔ سازمان دولتها در قلمرو حقوق خصوصی مورد نظر است در حقیقت آنچه در وهله نخست موجب ترغیب به مطالعه تحقیق در این زمینه گردیده همین مسئله بوده است مضافاً تاکنون هیچ نوشتار مستقلی به بررسی این موضوع نپرداخته است و تنها در مکتب تعارض قوانین در باب موانع اجرای قانون خارجی به این مسئله توجه گردیده است.

پایان نامه حاضر از چهار فصل تشکیل شده است که در هر فصل موضوعات مختلف نظم عمومی را بررسی می‌کند. در این پایان نامه به برخی از سوالات راجع به نظم عمومی پاسخ داده خواهد شد.

آیا نظم عمومی از قواعد امری است یا تکمیلی؟

آیا نظم عمومی صرفاً جنبه حقوق داخلی دارد یا جنبه بین المللی نیز دارد؟

آیا نظم عمومی نسبی است یا اینکه مطلق می‌باشد؟

فصل اول

کلیات

بخش اول : تبیین مفاهیم نظم عمومی

امروزه حقوقدانان بین نظم عمومی در روابط داخلی و نظم عمومی در روابط بین المللی قائل به تفکیک شده اند، نظم عمومی در روابط داخلی شامل قواعدی است که اراده افراد نمی تواند آن را نقض نماید مثل وضعیت، اهلیت حال آن که در روابط بین المللی نظم عمومی بدان اندازه وسعت و شمول ندارد. بلکه دارای مفهوم محدود تری می باشد. اگر نظم عمومی در روابط داخلی و در روابط بین المللی دارای مفهوم واحدی باشد در این صورت می بایست از اعمال اجرای قوانین خارجی مربوط به وضعیت و اهلیت به طور کلی جلوگیری شود حال آن که وضعیت اهلیت در اکثر کشورها از جمله ایران و فرانسه از مهمترین موارد اجرای قانون خارجی تلقی می گردد. دولت باید در انجام وظایف خود از قواعد خاص پیروی و نظمی را رعایت کند، مانند نظم در اساس سیاست، نظم در امور اداری، اقتصادی. لذا زمانی که اظهار می دارند قاعده‌های مربوط نظم عمومی است، منظور این است که هدف دولت را در این راه تامین می کند. بدیهی است که جامعه ای منظم و منضبط اشخاص نباید قادر به این امر باشند که با تراضی خود، بطور مستقیم یا غیر مستقیم، این نظم را بر هم زنند. بنابراین، در بیان مهم ترین اوصاف نظم عمومی، می توان گفت نظامی است که رعایت آن به پیروی و اطاعت همه افراد جامعه وابسته است.

برای حفظ و دوام امنیت قراردادی و جلوگیری از اخلال در روابط تجاری، قاعده این است که قانون لاحق بر آثار تعهداتی که در زمان حکومت سابق به وجود آمده است حکومت نکند و این آثار همچنان تابع قانون پیشین بماند.

درجایی که حکومت قانون جدید چنان با مصالح و منافع عالی مردم وابستگی دارد که

می‌توان گفت اراده قانونگذار بر این اصل قرار گرفته است که همه افراد یک جامعه تابع قانون باشند و دوگانگی از بین برود قانون لاحق حتی بر آثار پیمانهای گذشته حکمروایی می‌کند و فوراً اجرا می‌شود. در این موارد، مقصود اجرای فوری تمام قوانین امری نیست، بلکه باید قانون جدید وابستگی شدیدتری نسبت به منافع عموم داشته باشد و جلوگیری از اجرای آن سبب اختلال شدید در سیاست عمومی دولت میشود، و همین دلیل است که وابستگی به منافع جمع را بسیاری از حقوقدانان و نویسندگان مفهوم خاصی از نظم عمومی در تعارض قوانین در زمان دانسته‌اند. همچنین در حقوق بین الملل خصوصی، گاه به خارجیان مقیم ایران اجازه داده میشود که تابع قانون خارجی باشند. ولی، در همین موارد اگر اجرای قانون خارجی بانظم عمومی، مخالف باشد دادگاه از آن خودداری می‌کند.

(ماده ۹۷۵ قانون مدنی) یعنی اینکه، نظم عمومی مانع اجرای قانون خارجی می‌شود. مطابق ماده ۷ قانون مدنی ایران «اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود».

با وجود این، اگر مردی بازن سابق خود زناشویی کند و در محاکم ایران صحت و بطلان این نکاح مطرح شود، هیچ دادگاهی نمی‌تواند آن دو را زن و شوهر بشناسد، هرچند که بر طبق قوانین ملی آنان نکاح نافذ باشد، زیرا شناسایی آن بانظم امور خانوادگی منافات دارد.

نظم عمومی در این موارد شرایط خاصی را داراست که در اثر مخالفت با قوانین امری برهم نمی‌خورد. زیرا همانطوری که می‌دانیم که نوع قوانین مربوط به احوال شخصیه امری است و اگر مقصود از ماده ۹۷۵ قانون مدنی جلوگیری از تجاوز به قوانین امری بود دیگر مصداق مهمی برای اعمال قانون خارجی در احوال شخصیه بیگانگان مقیم ایران باقی نمی‌ماند. پس، اخلال در نظم عمومی به درجه‌ای که برای محدود ساختن اراده کفایت می‌کند، برای جلوگیری از اجرای قانون خارجی کافی نیست.

با این وجود نباید تصور نمود که نظم عمومی دارای مفاهیم و مبانی گوناگون و متفاوت است، زیرا

در تمام مواردی که به نظم عمومی استناد می‌شود.

منظور و مقصود این است که چون اجرای قاعده‌ای با مصالح عالی دولت و منافع جامعه ملازمه دارد، برقراردادها حکومت می‌کند. منتها، مصالحی که ممکن است قانون را به صورت امری در آورده و از حکومت اراده اشخاص بکاهد، با مصالحی که در تعارض قوانین مانع از اجرای قانون سابق یا قانون خارجی می‌گردد یکسان نیست، و به همین جهت می‌توان گفت نظم عمومی در همه جا یک مفهوم است که درجه‌های گوناگون دارد.

برخی از حقوقدانان برای تفکیک بین مفهوم نظم عمومی در حقوق داخلی و مفهوم نظم عمومی در حقوق بین الملل اصطلاحاتی را بکار بردند.

برخی از حقوقدانان^(۱) برای تفکیک این دو مفهوم فوق اصطلاح نظم عمومی داخلی و نظم عمومی بین المللی را استعمال نموده‌اند. منتها این اصطلاح بکار برده شده چندان مناسب بنظر نمی‌آید. زیرا نظم عمومی، همیشه حالت ملی دارد یعنی نظم عمومی هر کشور نظر به اوضاع و احوال و شرایط و تمدن خاص آن کشور با کشور دیگر متفاوت است و درضمن نظم عمومی، که برای کلیه کشورها یکسان باشد وجود ندارد.

گروهی دیگر^(۲) از حقوقدانان برای روابط داخلی اصطلاح نظم عمومی نسبی و برای روابط بین المللی اصطلاح نظم عمومی مطلق را انتخاب نموده‌اند. لیکن این اصطلاح نیز صحیح بنظر نمی‌رسد زیرا نظم عمومی چه راجع به روابط داخلی و چه راجع به روابط بین المللی همیشه حالت نسبی داشته و تابع زمان و مکان است.^۳

بنظر می‌رسد بهترین اصطلاحاتی که برای تفکیک دو مفهوم فوق استعمال می‌گردد اصطلاح نظم عمومی در روابط بین المللی به تبعیت از ساواتیه^(۳) یا اصطلاح استثنای نظم عمومی به تبعیت از لوئی لوکاس^(۴) در مقابل قواعد نظم عمومی باشد.

۱- ارفع نیا بهشید، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، انتشارات عقیق، ۱۳۷۵، چاپ سوم، ص ۳۲.

۲- پیشین، ص ۳۳.

۳- پیشین، ص ۳۸.